

اگر تلاش‌ها و مجاهدت‌های امام حسن (ع) در راستای بیداری امت و افشای چهره واقعی دستگاه بنی‌امیه نبود، شهادت سیدالشهدا و واقعه عاشورا اثری بسیار کمتر از آنچه ما در تاریخ مشاهده کردیم داشت. جهاد تبیین و روشنگری امام حسن (ع) علیه دستگاه بنی‌امیه بویژه معاویه بستر مناسبی را برای تأثیرگذاری قیام سیدالشهدا فراهم کرد. جهاد تبیین امام حسن مجتبی (ع) صرفاً در بیان و سخنرانی محدود و خلاصه نشد، بلکه تدبیر ایشان در قرار دادن مواد و بندهایی در صلح‌نامه‌ای که با معاویه امضا کردند، حکومت معاویه را بین مردم رسوا کرد

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر جواد سلیمانی، پژوهشگر تاریخ اسلام

جهاد تبیین، جنگ نرم امام حسن (ع)

جوشش غیرت دینی در قیام امام حسین (ع) پیش شرط‌ها و زمینه‌هایی لازم داشت که این مقدمات با جهاد تبیین امام حسن (ع) فراهم شد



اینها آرام آرام داشتند نفوذ می‌کردند، مقام معظم رهبری ابتدا مانند امام حسن (ع) فرمودند همان راه امام خمینی (ره) درست بود و باید در مقابل آمریکا ایستادگی کرد ولی وقتی اکثریت قابل توجهی می‌گویند این بار مذاکره کنیم و امتیازی بدیهیم و امتیازی بگیریم و از این بحران به این طریق نجات پیدا کنیم و تحریم‌ها را برداریم لذا نظام اجازه مذاکره را داد. در حالی که رهبر انقلاب گفتند که من خوشبین نیستم و اعتمادی به آنها ندارم و حتی گفتند اینها بویی از اخلاق نبردهاند ولی اگر شما فکر می‌کنید این راه به نتیجه می‌رسد، من قائل به نرمش قهرمانانه هستم. نرمش قهرمانانه همان شیوه‌ای است که امام حسن در زمان خودشان اتخاذ کردند. ابتدا تبیین کردند، ذهن‌ها را هوشیار کردند که دشمن قابل اعتماد نیست و بعداً فرمودند اگر می‌خواهید و فکر می‌کنید که از این راه به نتیجه می‌رسد، اشکالی ندارد مذاکره کنید ولی این خطوط را رعایت کنید. اینها مذاکره کردند و پیمانی را بستند و همه خطوطی که رهبری فرمودند را رعایت نکردند و در عین حال رهبری سکوت کردند. برجام که امضا شد، مدتی نشد که ترامپ آن را پاره کرد و حال فهمیدند که رهبری درست می‌گفتند و امریکایی‌ها اصلاً قابل اعتماد نیستند. اروپایی‌ها هم که می‌گفتند ما پایبند هستیم، به هیچ یک از تعهدات خود عمل نکردند، آرام آرام ملت اعتمادشان نسبت به امریکا و اروپا قطع شد. این بار چون حکومت اسلامی در جامعه ما قیام یافته بود، ملت ما آمدند طرف تئوری مقام معظم رهبری که با اقتصاد مقاومتی کشور را اداره کنیم و با استفاده از روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای همسایه و غیرمتعهد و کشورهای اسلامی بیابیم یک قدرت اقتصادی بزرگی را در کشور تشکیل دهیم که این آسیب‌های اقتصادی که دشمن به ما زد را جبران کنیم.

آرام آرام جامعه به این نقطه رسید و لذا شما می‌بینید که در دوره بعد به کسی رأی دادند که طرفدار گفتمان مقام معظم رهبری بود. بنابراین این جهاد تبیین امام حسن (ع) توسط مقام معظم رهبری امروز در جامعه یک بار دیگر تکرار شد و این در جامعه ما جواب داد. یک تفاوت با صدر اسلام دارد و آن این است که در صدر اسلام این گفتمان فقط به عنوان زنده در تاریخ باقی ماند ولی در زمان ما تنها به عنوان یک گفتمان زنده نیست بلکه این گفتمان قدرت هموردی دارد و گفتمانی است که عده زیادی آمدند به این گفتمان رای دادند و رئیس جمهوری انتخاب کردند که طرفدار این گفتمان هست. نمایندگان مجلس کاملاً طرفدار این گفتمان هستند. در منطقه و جهان، سیاسیون دنیا به آقای رئیسی به دید یک رئیس‌جمهور مقتدر نگاه می‌کنند و حاضر هستند با او هم‌پیمان شوند و گفت‌وگو و مذاکره کنند و به این افتخار می‌کنند. اینها نشان می‌دهد در زمان ما این جهاد تبیین مقام معظم رهبری که شبیه جهاد تبیین امام حسن بوده، توانست گفتمان انقلاب اسلامی را نه تنها به عنوان یک گفتمان زنده و حاضر بلکه به عنوان یک گفتمان قوی در برابر گفتمان‌های دیگر مطرح کند.

بیاوند و صرفاً گروهی به حضرت و حرف‌های‌شان بازگشتند. ■ همان‌طور که فرمودید اثرات و نتایج جهاد تبیین بعضاً در سال‌های آینده خودش را نشان می‌دهد. اثر جهاد تبیین و روشنگری امام حسن مجتبی علیه دستگاه فاسد اموی در هنگام قیام سیدالشهدا چگونه جلوه کرد؟ زمان قیام امام حسن (ع) که شد، عده‌ای اول آمدند و کلی نامه نوشتند؛ همان‌ها که ماهیت بنی‌امیه برای‌شان فاش شده بود گفتند ما حاضریم قیام کنیم اما هنوز اعتماد به اهل بیت در دل‌شان قیام پیدا نکرده بود، لذا در وسط کار تغییر پیدا کردند و ۲۲ یار برای حضرت باقی ماندند ولی چون ماهیت بنی‌امیه فاش شده بود؛ وقتی سیدالشهدا در مقابل یزید ایستاد جامعه در قلبش می‌گفت حسین بن علی مرد حق است و یزید انسانی اهل دنیا، ظالم و فاسد است و در این میدان حق با حسین بن علی است. پیام خون سیدالشهدا در دالایی از عقلانیت و مظلومیت به مردمان زماش و تاریخ رسید.

جهاد تبیین امام حسن (ع) بستر مناسبی را برای تأثیرگذاری قیام سیدالشهدا فراهم کرد به‌طوری که وقتی غروب روز عاشورا شد، در لشکر بر سر نکشتن امام حسن (ع) دعوا بود و یکی می‌گفت تو حسین بن علی را بکش و دیگری می‌گفت تو بکش. می‌گفتند هر کس حسین را بکشد گناه بزرگی به گردنش است. قبلاً این حرف‌ها را نمی‌زدند.

اینها اصلاً منطبق‌شان تغییر کرد، به امام حسین نامه داده بودند ولی وقتی دیدند خطر کشته شدن هست، گفتند نرو که به شهادت می‌رسی. بعد از قیام سیدالشهدا آمدند و سخنرانی کردند و گفتند ما باید برویم و قیام کنیم، اگر پیروز شدیم، حکومت اسلامی تشکیل می‌دهیم و به اهل بیت می‌دهیم و اگر هم پیروز نشدیم، شهید می‌شویم و باز هم سعادت اخروی نصیب ما می‌شود. این منطق شهادت‌طلبی است، این منطقی را که در انقلاب اسلامی ما، الان همین حالت وجود دارد. عده‌ای در انقلاب اسلامی ما، الان همین حالت وجود دارد. عده‌ای در انقلاب اسلامی ما، الان همین حالت وجود دارد. عده‌ای در انقلاب اسلامی ما، الان همین حالت وجود دارد.

فلذا خون سیدالشهدا اثر گذاشت و غیرت دینی جامعه افزایش پیدا کرد، مردم بصیرت دینی پیدا کردند و همه اینها موهون جهاد تبیین امام حسن (ع) است. بهترین شاهد برای اینکه جهاد تبیین امام حسن بهترین راه بود این است که امام حسن از سال ۵۱ هجری و پس از شهادت امام حسن به امامت رسید و ولی ۱۰ سال قیام نکرد و همان منطق را در برابر معاویه ادامه داد. وقتی ۱۰ سال تمام شد و معاویه مرد و یزید روی کار آمد امام حسین دست به قیام زد.

امام مجتبی (ع) همواره از میهمانش پذیرایی می‌کرد، حتی اگر آنان را نمی‌شناخت. امام به پذیرایی از بی‌نویان علاقه زیادی داشت. ایشان تهیدستان را به خانه خود می‌برد و به گرمی پذیرایی می‌کرد و به آنها لباس و پول می‌بخشید. در سیره امام حسن اتفاق به مادیات محدود نمی‌شود، بلکه هر چیزی را در بر می‌گیرد که

من به معاویه اعتماد ندارم، این خاندان مورد اعتماد نیست و نظر پدرم درست است و بیایید بچکنیم و بعد دید که اینها نیامدند، صلح را مطرح کرد. برای اینکه به این مردمی که فکر می‌کردند معاویه قابل اعتماد است، اثبات کند قابل اعتماد نیست در مواد صلح نامه یکسری عناصری را گنجانده که می‌دانست معاویه این را قبول ندارد ولی برای اینکه فعلاً صلح قیام پیدا کند و بدون در دسر به حکومت برسد، حاضر است همه اینها را امضا کند. یکی اینکه فرمود: شما حق ندارید حقوق مردم و شیعیان کوفه و بصره که با امام علی (ع) بودند و خانواده‌های‌شان، خانواده‌های شهدا و مجروحان را قطع کنید.

حقوق ندارد ولی بعد از خودتان جانشین تعیین کنید، حکومت بعد از شما به حسن بن علی یا حسین بن علی منتقل می‌شود. حق ندارید سب امام علی (ع) را کنید. چند مورد را گنجانده و معاویه همه اینها را قبول کرد. مردم هم گفتند معاویه همه این موارد را قبول کرده، لذا به عنوان یک حاکم می‌نشد. این گفتمان را آینده فکر و قمع و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید که مردم زمانه‌اش می‌گویند صلح با معاویه و پذیرش حاکمیت معاویه، تنها راه نجات ما است و جنگ فایده‌ای ندارد. ■ به نظر می‌آید این مسأله عقبه‌ای نیز در زمان حاکمیت امیرالمؤمنین (ع) نیز داشته باشد. آیا امیرالمؤمنین نیز با همین مشکلات دست و پنجه نرم می‌کردند؟ بله! در زمان امام علی (ع) در اواخر جنگ صفین این نغمه شروع شد اما زمان

امام حسن (ع) به اوج خودش رسید. امام حسن (ع) برای اینکه این گفتمان خود را برای جامعه به عنوان یک گفتمان برتر جا بیندازد، ابتدا همان مواضعی که امام علی (ع) گرفت را تکرار کرد و فرمود: معاویه ادعای صلح می‌کند اما قابل اعتماد نیست، اگر نظر من را می‌خواهید با معاویه بچکنیم، سپاهی را ترتیب داد و عده‌ای را فرستاد که به طرف صفین بروند و با معاویه در خط مقدم روبرو شوند، خودش هم در مدائن ایستاد تا نیرو جمع کند و برود. در این گیر و دار یک عده‌ای از معاویه باخ گرفتند و به سپاه دشمن پیوستند، یک عده دیگری که پشت صحنه بودند، آمدند و فریب شایعات معاویه را خوردند و فریاد زدند که ما صلح و زندگی می‌خواهیم و حتی به امام حسن (ع) می‌خواست نیرو جمع کند و با معاویه بچکنیم، حمله کردند. امام حسن چرا این کار را کرد؟

می‌خواست بگوید سیاست پدر من درست است و اینها می‌گفتند این اشتباه است. امام حسن دید اگر بخواهد این روند را به همین ترتیب ادامه دهد، معاویه جنگ را آغاز می‌کند و جنگ که شروع شد، نیروهای منسجم و وفادارش به قدری کم هستند که معاویه می‌تواند همه اینها را از بین ببرد و دیگر هیچ فریادزنی که از اسلام ناب و تشیع بگوید، در تاریخ باقی نخواهد ماند و تشیع از بین خواهد رفت. فلذا ابتدا اتمام حجت کرد و گفت

نیمه ماه رمضان ماه میهمانی و رحمت خداوند، مژین است به سالروز ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع)؛ امامی که کمتر به سیره سیاسی و حکومتی ایشان و نقشی که در حفظ و هدایت شبکه تشیع در یکی از سخت‌ترین دوره‌های عصر امامت داشته‌اند پرداخته شده است. پژوهشگران و مورخان بر این عقیده‌اند که اگر تلاش‌ها و مجاهدت‌های امام حسن (ع) در راستای بیداری امت و افشای چهره واقعی دستگاه بنی‌امیه نبود، شهادت سیدالشهدا و واقعه عاشورا اثری بسیار کمتر از آنچه ما در تاریخ مشاهده کردیم داشت. ضمناً می‌توان گفت جهاد تبیین و روشنگری امام حسن (ع) علیه دستگاه بنی‌امیه و بویژه معاویه بستر مناسبی را برای تأثیرگذاری قیام سیدالشهدا فراهم کرد. جهاد تبیین امام حسن مجتبی (ع) صرفاً در بیان و سخنرانی محدود و خلاصه نشد، بلکه تدبیر ایشان در قرار دادن مواد و بندهایی در صلح‌نامه‌ای که با معاویه امضا کردند، حکومت معاویه را در بین مردم رسوا و جامعه را به اشتباه خود واقف کرد. برای بررسی و تشریح تاریخی جهاد تبیین و روشنگری در سیره امام حسن مجتبی با دکتر جواد سلیمانی، پژوهشگر حوزه تاریخ اسلام و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت‌وگو کردیم.

تفاوت شد. زمان امام حسن (ع) نیز همین حالت ایجاد شد. یک گسلی بین نگرش امام حسن (ع) به وقایع و حوادث و جامعه ایجاد شد. امام حسن (ع) می‌فرمود راه نجات اینجا مقاومت در برابر استکبار است نه مذاکره و دلیله و تحویل دادن حکومت به آنها، باید مقاومت کنیم و مانند پدرم بچکنیم اما عده دیگری می‌گفتند مقاومت جواب نمی‌دهد و باید کنار آمد.

هر جامعه‌ای که مبتلا به این مشکلات شود و غسل نگرشی بین امام و نگاه امام و تحلیل امام از زمان و مأمورین و پیروان ایجاد شود، در این وضعیت مهم‌ترین سلاح مبارزه جهاد تبیین است. برای اینکه جامعه را از توهم و اشتباه خارج کرد، راه حل مهم آن، جهاد تبیین است. بنابراین جهاد تبیین یک جنگ نرم است. چون ما نمی‌توانیم با برادران مسلمان خود در جامعه، جنگ سخت کنیم، باید آنها را هدایت کنیم. امام حسن (ع) امام جامعه است و باید آنها را هدایت کند. راه هدایت جهاد تبیین است. اما نمره جهاد تبیین چه می‌شود؟ نمره جهاد تبیین همیشه این نیست که شما به گفتمان غالب تبدیل شوید و همه بگویند شما درست می‌گویید و کل جامعه تابع شما باشند. نمره جهاد تبیین حفظ گفتمان صحیح و انقلابی با عنوان گفتمان زنده و حاضر در برابر گفتمان غالب است، یعنی وقتی شما می‌آید با جهاد تبیین وارد عرصه می‌شوید و با بیان و سیاست‌ها و تدبیرهای کوتاه‌مدت و درازمدت خود، خود را حفظ می‌کنید و پیام خود را به تاریخ و زمانه می‌دهید، این گفتمان شما نمی‌میرد. اگر ساکت شوید و از مواضع و دیدگاه خود، تبیین و دفاع نکنید، اگر تدبیرهایی اتخاذ نکنید برای اینکه مواضعی که اتخاذ کردید برای جامعه بعداً روشن شود که چه فلسفه‌ای داشت ولو برای قشری از جامعه، اگر چنین نکنید، این گفتمان شما از بین می‌رود و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید اگر با جهاد تبیین وارد مبارزه با دشمن در عرصه فکر و عمومی نشود، این گفتمان را آینده فکر و قمع و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید که مردم زمانه‌اش می‌گویند صلح با معاویه و پذیرش حاکمیت معاویه، تنها راه نجات ما است و جنگ فایده‌ای ندارد.

■ به نظر می‌آید این مسأله عقبه‌ای نیز در زمان حاکمیت امیرالمؤمنین (ع) نیز داشته باشد. آیا امیرالمؤمنین نیز با همین مشکلات دست و پنجه نرم می‌کردند؟ بله! در زمان امام علی (ع) در اواخر جنگ صفین این نغمه شروع شد اما زمان امام حسن (ع) به اوج خودش رسید. امام حسن (ع) برای اینکه این گفتمان خود را برای جامعه به عنوان یک گفتمان برتر جا بیندازد، ابتدا همان مواضعی که امام علی (ع) گرفت را تکرار کرد و فرمود: معاویه ادعای صلح می‌کند اما قابل اعتماد نیست، اگر نظر من را می‌خواهید با معاویه بچکنیم، سپاهی را ترتیب داد و عده‌ای را فرستاد که به طرف صفین بروند و با معاویه در خط مقدم روبرو شوند، خودش هم در مدائن ایستاد تا نیرو جمع کند و برود. در این گیر و دار یک عده‌ای از معاویه باخ گرفتند و به سپاه دشمن پیوستند، یک عده دیگری که پشت صحنه بودند، آمدند و فریب شایعات معاویه را خوردند و فریاد زدند که ما صلح و زندگی می‌خواهیم و حتی به امام حسن (ع) می‌خواست نیرو جمع کند و با معاویه بچکنیم، حمله کردند. امام حسن چرا این کار را کرد؟

می‌خواست بگوید سیاست پدر من درست است و اینها می‌گفتند این اشتباه است. امام حسن دید اگر بخواهد این روند را به همین ترتیب ادامه دهد، معاویه جنگ را آغاز می‌کند و جنگ که شروع شد، نیروهای منسجم و وفادارش به قدری کم هستند که معاویه می‌تواند همه اینها را از بین ببرد و دیگر هیچ فریادزنی که از اسلام ناب و تشیع بگوید، در تاریخ باقی نخواهد ماند و تشیع از بین خواهد رفت. فلذا ابتدا اتمام حجت کرد و گفت

نیمه ماه رمضان ماه میهمانی و رحمت خداوند، مژین است به سالروز ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع)؛ امامی که کمتر به سیره سیاسی و حکومتی ایشان و نقشی که در حفظ و هدایت شبکه تشیع در یکی از سخت‌ترین دوره‌های عصر امامت داشته‌اند پرداخته شده است. پژوهشگران و مورخان بر این عقیده‌اند که اگر تلاش‌ها و مجاهدت‌های امام حسن (ع) در راستای بیداری امت و افشای چهره واقعی دستگاه بنی‌امیه نبود، شهادت سیدالشهدا و واقعه عاشورا اثری بسیار کمتر از آنچه ما در تاریخ مشاهده کردیم داشت. ضمناً می‌توان گفت جهاد تبیین و روشنگری امام حسن (ع) علیه دستگاه بنی‌امیه و بویژه معاویه بستر مناسبی را برای تأثیرگذاری قیام سیدالشهدا فراهم کرد. جهاد تبیین امام حسن مجتبی (ع) صرفاً در بیان و سخنرانی محدود و خلاصه نشد، بلکه تدبیر ایشان در قرار دادن مواد و بندهایی در صلح‌نامه‌ای که با معاویه امضا کردند، حکومت معاویه را در بین مردم رسوا و جامعه را به اشتباه خود واقف کرد. برای بررسی و تشریح تاریخی جهاد تبیین و روشنگری در سیره امام حسن مجتبی با دکتر جواد سلیمانی، پژوهشگر حوزه تاریخ اسلام و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت‌وگو کردیم.

تفاوت شد. زمان امام حسن (ع) نیز همین حالت ایجاد شد. یک گسلی بین نگرش امام حسن (ع) به وقایع و حوادث و جامعه ایجاد شد. امام حسن (ع) می‌فرمود راه نجات اینجا مقاومت در برابر استکبار است نه مذاکره و دلیله و تحویل دادن حکومت به آنها، باید مقاومت کنیم و مانند پدرم بچکنیم اما عده دیگری می‌گفتند مقاومت جواب نمی‌دهد و باید کنار آمد.

هر جامعه‌ای که مبتلا به این مشکلات شود و غسل نگرشی بین امام و نگاه امام و تحلیل امام از زمان و مأمورین و پیروان ایجاد شود، در این وضعیت مهم‌ترین سلاح مبارزه جهاد تبیین است. برای اینکه جامعه را از توهم و اشتباه خارج کرد، راه حل مهم آن، جهاد تبیین است. بنابراین جهاد تبیین یک جنگ نرم است. چون ما نمی‌توانیم با برادران مسلمان خود در جامعه، جنگ سخت کنیم، باید آنها را هدایت کنیم. امام حسن (ع) امام جامعه است و باید آنها را هدایت کند. راه هدایت جهاد تبیین است. اما نمره جهاد تبیین چه می‌شود؟ نمره جهاد تبیین همیشه این نیست که شما به گفتمان غالب تبدیل شوید و همه بگویند شما درست می‌گویید و کل جامعه تابع شما باشند. نمره جهاد تبیین حفظ گفتمان صحیح و انقلابی با عنوان گفتمان زنده و حاضر در برابر گفتمان غالب است، یعنی وقتی شما می‌آید با جهاد تبیین وارد عرصه می‌شوید و با بیان و سیاست‌ها و تدبیرهای کوتاه‌مدت و درازمدت خود، خود را حفظ می‌کنید و پیام خود را به تاریخ و زمانه می‌دهید، این گفتمان شما نمی‌میرد. اگر ساکت شوید و از مواضع و دیدگاه خود، تبیین و دفاع نکنید، اگر تدبیرهایی اتخاذ نکنید برای اینکه مواضعی که اتخاذ کردید برای جامعه بعداً روشن شود که چه فلسفه‌ای داشت ولو برای قشری از جامعه، اگر چنین نکنید، این گفتمان شما از بین می‌رود و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید اگر با جهاد تبیین وارد مبارزه با دشمن در عرصه فکر و عمومی نشود، این گفتمان را آینده فکر و قمع و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید که مردم زمانه‌اش می‌گویند صلح با معاویه و پذیرش حاکمیت معاویه، تنها راه نجات ما است و جنگ فایده‌ای ندارد.

■ به نظر می‌آید این مسأله عقبه‌ای نیز در زمان حاکمیت امیرالمؤمنین (ع) نیز داشته باشد. آیا امیرالمؤمنین نیز با همین مشکلات دست و پنجه نرم می‌کردند؟ بله! در زمان امام علی (ع) در اواخر جنگ صفین این نغمه شروع شد اما زمان امام حسن (ع) به اوج خودش رسید. امام حسن (ع) برای اینکه این گفتمان خود را برای جامعه به عنوان یک گفتمان برتر جا بیندازد، ابتدا همان مواضعی که امام علی (ع) گرفت را تکرار کرد و فرمود: معاویه ادعای صلح می‌کند اما قابل اعتماد نیست، اگر نظر من را می‌خواهید با معاویه بچکنیم، سپاهی را ترتیب داد و عده‌ای را فرستاد که به طرف صفین بروند و با معاویه در خط مقدم روبرو شوند، خودش هم در مدائن ایستاد تا نیرو جمع کند و برود. در این گیر و دار یک عده‌ای از معاویه باخ گرفتند و به سپاه دشمن پیوستند، یک عده دیگری که پشت صحنه بودند، آمدند و فریب شایعات معاویه را خوردند و فریاد زدند که ما صلح و زندگی می‌خواهیم و حتی به امام حسن (ع) می‌خواست نیرو جمع کند و با معاویه بچکنیم، حمله کردند. امام حسن چرا این کار را کرد؟

می‌خواست بگوید سیاست پدر من درست است و اینها می‌گفتند این اشتباه است. امام حسن دید اگر بخواهد این روند را به همین ترتیب ادامه دهد، معاویه جنگ را آغاز می‌کند و جنگ که شروع شد، نیروهای منسجم و وفادارش به قدری کم هستند که معاویه می‌تواند همه اینها را از بین ببرد و دیگر هیچ فریادزنی که از اسلام ناب و تشیع بگوید، در تاریخ باقی نخواهد ماند و تشیع از بین خواهد رفت. فلذا ابتدا اتمام حجت کرد و گفت

نیمه ماه رمضان ماه میهمانی و رحمت خداوند، مژین است به سالروز ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع)؛ امامی که کمتر به سیره سیاسی و حکومتی ایشان و نقشی که در حفظ و هدایت شبکه تشیع در یکی از سخت‌ترین دوره‌های عصر امامت داشته‌اند پرداخته شده است. پژوهشگران و مورخان بر این عقیده‌اند که اگر تلاش‌ها و مجاهدت‌های امام حسن (ع) در راستای بیداری امت و افشای چهره واقعی دستگاه بنی‌امیه نبود، شهادت سیدالشهدا و واقعه عاشورا اثری بسیار کمتر از آنچه ما در تاریخ مشاهده کردیم داشت. ضمناً می‌توان گفت جهاد تبیین و روشنگری امام حسن (ع) علیه دستگاه بنی‌امیه و بویژه معاویه بستر مناسبی را برای تأثیرگذاری قیام سیدالشهدا فراهم کرد. جهاد تبیین امام حسن مجتبی (ع) صرفاً در بیان و سخنرانی محدود و خلاصه نشد، بلکه تدبیر ایشان در قرار دادن مواد و بندهایی در صلح‌نامه‌ای که با معاویه امضا کردند، حکومت معاویه را در بین مردم رسوا و جامعه را به اشتباه خود واقف کرد. برای بررسی و تشریح تاریخی جهاد تبیین و روشنگری در سیره امام حسن مجتبی با دکتر جواد سلیمانی، پژوهشگر حوزه تاریخ اسلام و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت‌وگو کردیم.

تفاوت شد. زمان امام حسن (ع) نیز همین حالت ایجاد شد. یک گسلی بین نگرش امام حسن (ع) به وقایع و حوادث و جامعه ایجاد شد. امام حسن (ع) می‌فرمود راه نجات اینجا مقاومت در برابر استکبار است نه مذاکره و دلیله و تحویل دادن حکومت به آنها، باید مقاومت کنیم و مانند پدرم بچکنیم اما عده دیگری می‌گفتند مقاومت جواب نمی‌دهد و باید کنار آمد.

هر جامعه‌ای که مبتلا به این مشکلات شود و غسل نگرشی بین امام و نگاه امام و تحلیل امام از زمان و مأمورین و پیروان ایجاد شود، در این وضعیت مهم‌ترین سلاح مبارزه جهاد تبیین است. برای اینکه جامعه را از توهم و اشتباه خارج کرد، راه حل مهم آن، جهاد تبیین است. بنابراین جهاد تبیین یک جنگ نرم است. چون ما نمی‌توانیم با برادران مسلمان خود در جامعه، جنگ سخت کنیم، باید آنها را هدایت کنیم. امام حسن (ع) امام جامعه است و باید آنها را هدایت کند. راه هدایت جهاد تبیین است. اما نمره جهاد تبیین چه می‌شود؟ نمره جهاد تبیین همیشه این نیست که شما به گفتمان غالب تبدیل شوید و همه بگویند شما درست می‌گویید و کل جامعه تابع شما باشند. نمره جهاد تبیین حفظ گفتمان صحیح و انقلابی با عنوان گفتمان زنده و حاضر در برابر گفتمان غالب است، یعنی وقتی شما می‌آید با جهاد تبیین وارد عرصه می‌شوید و با بیان و سیاست‌ها و تدبیرهای کوتاه‌مدت و درازمدت خود، خود را حفظ می‌کنید و پیام خود را به تاریخ و زمانه می‌دهید، این گفتمان شما نمی‌میرد. اگر ساکت شوید و از مواضع و دیدگاه خود، تبیین و دفاع نکنید، اگر تدبیرهایی اتخاذ نکنید برای اینکه مواضعی که اتخاذ کردید برای جامعه بعداً روشن شود که چه فلسفه‌ای داشت ولو برای قشری از جامعه، اگر چنین نکنید، این گفتمان شما از بین می‌رود و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید اگر با جهاد تبیین وارد مبارزه با دشمن در عرصه فکر و عمومی نشود، این گفتمان را آینده فکر و قمع و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید که مردم زمانه‌اش می‌گویند صلح با معاویه و پذیرش حاکمیت معاویه، تنها راه نجات ما است و جنگ فایده‌ای ندارد.

■ به نظر می‌آید این مسأله عقبه‌ای نیز در زمان حاکمیت امیرالمؤمنین (ع) نیز داشته باشد. آیا امیرالمؤمنین نیز با همین مشکلات دست و پنجه نرم می‌کردند؟ بله! در زمان امام علی (ع) در اواخر جنگ صفین این نغمه شروع شد اما زمان امام حسن (ع) به اوج خودش رسید. امام حسن (ع) برای اینکه این گفتمان خود را برای جامعه به عنوان یک گفتمان برتر جا بیندازد، ابتدا همان مواضعی که امام علی (ع) گرفت را تکرار کرد و فرمود: معاویه ادعای صلح می‌کند اما قابل اعتماد نیست، اگر نظر من را می‌خواهید با معاویه بچکنیم، سپاهی را ترتیب داد و عده‌ای را فرستاد که به طرف صفین بروند و با معاویه در خط مقدم روبرو شوند، خودش هم در مدائن ایستاد تا نیرو جمع کند و برود. در این گیر و دار یک عده‌ای از معاویه باخ گرفتند و به سپاه دشمن پیوستند، یک عده دیگری که پشت صحنه بودند، آمدند و فریب شایعات معاویه را خوردند و فریاد زدند که ما صلح و زندگی می‌خواهیم و حتی به امام حسن (ع) می‌خواست نیرو جمع کند و با معاویه بچکنیم، حمله کردند. امام حسن چرا این کار را کرد؟

می‌خواست بگوید سیاست پدر من درست است و اینها می‌گفتند این اشتباه است. امام حسن دید اگر بخواهد این روند را به همین ترتیب ادامه دهد، معاویه جنگ را آغاز می‌کند و جنگ که شروع شد، نیروهای منسجم و وفادارش به قدری کم هستند که معاویه می‌تواند همه اینها را از بین ببرد و دیگر هیچ فریادزنی که از اسلام ناب و تشیع بگوید، در تاریخ باقی نخواهد ماند و تشیع از بین خواهد رفت. فلذا ابتدا اتمام حجت کرد و گفت

نیمه ماه رمضان ماه میهمانی و رحمت خداوند، مژین است به سالروز ولادت کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع)؛ امامی که کمتر به سیره سیاسی و حکومتی ایشان و نقشی که در حفظ و هدایت شبکه تشیع در یکی از سخت‌ترین دوره‌های عصر امامت داشته‌اند پرداخته شده است. پژوهشگران و مورخان بر این عقیده‌اند که اگر تلاش‌ها و مجاهدت‌های امام حسن (ع) در راستای بیداری امت و افشای چهره واقعی دستگاه بنی‌امیه نبود، شهادت سیدالشهدا و واقعه عاشورا اثری بسیار کمتر از آنچه ما در تاریخ مشاهده کردیم داشت. ضمناً می‌توان گفت جهاد تبیین و روشنگری امام حسن (ع) علیه دستگاه بنی‌امیه و بویژه معاویه بستر مناسبی را برای تأثیرگذاری قیام سیدالشهدا فراهم کرد. جهاد تبیین امام حسن مجتبی (ع) صرفاً در بیان و سخنرانی محدود و خلاصه نشد، بلکه تدبیر ایشان در قرار دادن مواد و بندهایی در صلح‌نامه‌ای که با معاویه امضا کردند، حکومت معاویه را در بین مردم رسوا و جامعه را به اشتباه خود واقف کرد. برای بررسی و تشریح تاریخی جهاد تبیین و روشنگری در سیره امام حسن مجتبی با دکتر جواد سلیمانی، پژوهشگر حوزه تاریخ اسلام و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت‌وگو کردیم.

تفاوت شد. زمان امام حسن (ع) نیز همین حالت ایجاد شد. یک گسلی بین نگرش امام حسن (ع) به وقایع و حوادث و جامعه ایجاد شد. امام حسن (ع) می‌فرمود راه نجات اینجا مقاومت در برابر استکبار است نه مذاکره و دلیله و تحویل دادن حکومت به آنها، باید مقاومت کنیم و مانند پدرم بچکنیم اما عده دیگری می‌گفتند مقاومت جواب نمی‌دهد و باید کنار آمد.

هر جامعه‌ای که مبتلا به این مشکلات شود و غسل نگرشی بین امام و نگاه امام و تحلیل امام از زمان و مأمورین و پیروان ایجاد شود، در این وضعیت مهم‌ترین سلاح مبارزه جهاد تبیین است. برای اینکه جامعه را از توهم و اشتباه خارج کرد، راه حل مهم آن، جهاد تبیین است. بنابراین جهاد تبیین یک جنگ نرم است. چون ما نمی‌توانیم با برادران مسلمان خود در جامعه، جنگ سخت کنیم، باید آنها را هدایت کنیم. امام حسن (ع) امام جامعه است و باید آنها را هدایت کند. راه هدایت جهاد تبیین است. اما نمره جهاد تبیین چه می‌شود؟ نمره جهاد تبیین همیشه این نیست که شما به گفتمان غالب تبدیل شوید و همه بگویند شما درست می‌گویید و کل جامعه تابع شما باشند. نمره جهاد تبیین حفظ گفتمان صحیح و انقلابی با عنوان گفتمان زنده و حاضر در برابر گفتمان غالب است، یعنی وقتی شما می‌آید با جهاد تبیین وارد عرصه می‌شوید و با بیان و سیاست‌ها و تدبیرهای کوتاه‌مدت و درازمدت خود، خود را حفظ می‌کنید و پیام خود را به تاریخ و زمانه می‌دهید، این گفتمان شما نمی‌میرد. اگر ساکت شوید و از مواضع و دیدگاه خود، تبیین و دفاع نکنید، اگر تدبیرهایی اتخاذ نکنید برای اینکه مواضعی که اتخاذ کردید برای جامعه بعداً روشن شود که چه فلسفه‌ای داشت ولو برای قشری از جامعه، اگر چنین نکنید، این گفتمان شما از بین می‌رود و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید اگر با جهاد تبیین وارد مبارزه با دشمن در عرصه فکر و عمومی نشود، این گفتمان را آینده فکر و قمع و نابود می‌شود. امام حسن (ع) دید که مردم زمانه‌اش می‌گویند صلح با معاویه و پذیرش حاکمیت معاویه، تنها راه نجات ما است و جنگ فایده‌ای ندارد.

■ به نظر می‌آید این مسأله عقبه‌ای نیز در زمان حاکمیت امیرالمؤمنین (ع) نیز داشته باشد. آیا امیرالمؤمنین نیز با همین مشکلات دست و پنجه نرم می‌کردند؟ بله! در زمان امام علی (ع) در اواخر جنگ صفین این نغمه شروع شد اما زمان امام حسن (ع) به اوج خودش رسید. امام حسن (ع) برای اینکه این گفتمان خود را برای جامعه به عنوان یک گفتمان برتر جا بیندازد، ابتدا همان مواضعی که امام علی (ع) گرفت را تکرار کرد و فرمود: معاویه ادعای صلح می‌کند اما قابل اعتماد نیست، اگر نظر من را می‌خواهید با معاویه بچکنیم، سپاهی را ترتیب داد و عده‌ای را فرستاد که به طرف صفین بروند و با معاویه در خط مقدم روبرو شوند، خودش هم در مدائن ایستاد تا نیرو جمع کند و برود. در این گیر و دار یک عده‌ای از معاویه باخ گرفتند و به سپاه دشمن پیوستند، یک عده دیگری که پشت صحنه بودند، آمدند و فریب شایعات معاویه را خوردند و فریاد زدند که ما صلح و زندگی می‌خواهیم و حتی به امام حسن (ع) می‌خواست نیرو جمع کند و با معاویه بچکنیم، حمله کردند. امام حسن چرا این کار را کرد؟

امام حسن (ع) الگوی موانعات و کمک مومنانه



را ناامید بر نمی‌گردانید، اگر چه سوار بر شتر باشید؟» فرمودند: خود من هم نیازمند درگاه خداوند هستم و دوست دارم که خداوند مرا محروم نگرداند و شرم دارم در حالی که نیازمند هستم، نیازمندان را ناامید کنم. عادت خداوند این است که نعمت‌هایش را بر مرز آرزایی بدارد و عادت من هم این است که نعمت‌هایش را به بندگانش عطا کنم، می‌ترسم که اگر از این عادت خود دست بردارم، خداوند هم دست از عادت خود بردارد.

امام مجتبی (ع) همواره از میهمانش پذیرایی می‌کرد، حتی اگر آنان را نمی‌شناخت. امام به پذیرایی از بی‌نویان علاقه زیادی داشت. ایشان تهیدستان را به خانه خود می‌برد و به گرمی پذیرایی می‌کرد و به آنها لباس و پول می‌بخشید. در سیره امام حسن اتفاق به مادیات محدود نمی‌شود، بلکه هر چیزی را در بر می‌گیرد که

مجتبی (ع) درخواست کمک کرد. آن حضرت چیزی در دست نداشتند و چون نمی‌خواستند آن فرد را ناامید برگردانند، او را به سوی بارگاه خلیفه راهنمایی کردند تا خلیفه را در سوگ دخترش تسلیت بدهد و بدین وسیله، صله‌ای دریافت دارد. به حضرت عرض شد: چرا هرگز نیازمندی

محمد امین علی دوست: امام حسن مجتبی (ع) الگوی مجسم موانعات است. موانع در سیره امام حسن (ع) فراتر از یک کمک مومنانه است، بلکه بخشیدن همه زندگی خود در راه خداست. یکی از صفات برجسته امام مجتبی (ع)، انفاق و بخشش بی‌سابقه ایشان بود. امام مجتبی (ع) همه اموالش حتی کفش‌های خود را در راه خدا صدقه دادند. ابن‌عساکر به سندش از عامر نقل کرده که گفت: «لَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَاسِمًا لِلَّهِ مَالَهُ مَرْتَبَتِي حَتَّى تَصَلَّقَ بِفَرْدٍ نَعْلَهُ». حسن بن علی اموالش را ۲ بار با خدا تقسیم کرد، حتی اینکه به یک عدد از نعلینش صدقه داد.

همان‌طور که این روایت تاریخی اذعان می‌کند، موانع در سیره امام حسن (ع) مساوات در بهره‌مندی از نعمت‌ها بود و این چیزی فراتر از انفاق و بخشیدن بخشی از مال به نیازمندان است. ابوهشام قتاد می‌گوید: من از بصره برای حسن بن علی (ع) کالای می‌بردم. هنگام خرید با

بتواند برای دیگران سودمند باشد. امام مجتبی (ع) درباره انفاق دانش می‌فرمایند: دانش خویش را به مردم بیاموز و علم دیگران را یاد بگیر؛ زیرا در این صورت، دانش خود را پایدار کرده‌ای و آنچه را نمی‌دانستی، فرا گرفته‌ای.

امام مجتبی (ع) در برابر فقیران فرهنگی و فریب‌خوردگان جاهل نیز قلبی مهربان داشتند. اگر چه آنها بر اثر فریب دشمنان با هتاکي و بی‌حرمتي با امام برخورد می‌کردند اما امام هیچ گاه از سخنان بیپهوه آنان غضبناک نمی‌شد و با لطف و مهربانی آنها را می‌نواختند و به رفع نیازهای‌شان همت می‌گماشتند. آنان نیز با دیدن برخورد‌های خاضعانه امام به حیرت می‌افتادند و در آنسک مدت از گفته‌های خویش اظهار پشیمانی می‌کردند. نمونه بارز فروتنی امام با فقرزدگان فرهنگی و دین‌یافتگان بی‌هویت، ملاقات با آن مرد شامی است که داستانش در متون تاریخی بیان شده است.